



جایگاه اخلاق قبل از توحید است/ آلودگی باطنی عامل انکار حقایق

سه مرحله برای دین فرض می‌شود اصول اعتقادی، اخلاق و فقه. با توجه به حدیث شریف نبوی می‌توان نشان داد که اخلاق مسئله‌ای است که جایگاه آن قبل از توحید است.

سه مرحله برای دین فرض می‌شود اصول اعتقادی، اخلاق و فقه. با توجه به حدیث شریف نبوی می‌توان نشان داد که اخلاق مسئله‌ای است که جایگاه آن قبل از توحید است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر گفتاری از آیت الله مرتضی تهرانی است که در ادامه می‌خوانید:

تاثیر اعتقادات بر آزمون‌های الهی

برنامه‌های امتحان و آزمون نسبت به تمامی امم ادیان آسمانی یک برنامه‌ی عقلی و عرفی و طبیعی است. همه‌ی اجتماعات کوچک و بزرگ، اجتماعات مادی و معنوی از این عامل روانی حداکثر استفاده را کرده‌اند و می‌کنند، زیرا این عامل در فعال شدن انسان در رشته‌ی مد نظر خود، اثری فراوان، با هزینه‌ی نسبتاً کم دارد. اما امتحان و اختباری که حق‌تعالی در این آیه‌ی مبارکه از سوره‌ی مبارکه‌ی عنکبوت اراده فرموده، غیر از آزمون‌های طبیعی و ظاهری است. فعالیت‌های روانی و روحی و اعتقادی در این آزمون بسیار اثر دارد.

مسائل مادی مثل آزمون‌های آموزشی برای دانشجویان و دانش‌آموزان، عوامل عقلایی برای فعال شدن انسانی است که در آن رشته تلاش می‌کند و ارتباطی با اعتقاد ندارد. اما اعتقاد و روح در آزمون‌هایی که از سوی حق‌تعالی در ادیان آسمانی برای امت‌ها آمده، بسیار مؤثر است. باورهای روحی، نیروی انسانی را که مورد آزمون‌های الهی و معنوی قرار گرفته است چندین برابر می‌کند. به دلیل نقش بسیار مؤثر اعتقادات قلبی و روح در این نوع آزمون‌ها، یکی از نتایج عمده‌ی آن‌ها در هر زمانی که در بین یک گروه یا یک فرد تحقق پیدا کند، شروع تلاش بسیار از روحیه و باطن انسان است. اما در مورد سایر آزمون‌های عقلایی در دنیا که جنبه‌ی معنوی و الهی ندارد، نیازی به شروع تلاش بیش‌تر از باطن وجود انسان نیست.

حدیث نبوی و تبیین جایگاه اخلاق

این مقدمه برای روشن شدن حدیث معروف از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد اخلاق بود. آن بزرگوار فرموده‌اند: "إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ". کلمه‌ی "أَتَمِّمَ" متکلم وحده است. لام تعلیل که در اول آن آمده است برای انسان جایگاه اخلاق را روشن می‌کند. اولین مرحله‌ی ادیان آسمانی که در برابر شرک از سوی حق‌تعالی برای مردم آمده‌اند، یکتاپرستی است. دومین مرحله‌ی سومین مرحله‌ی آن‌ها اعتقاد و باور نسبت به پیامبر آن دین و سومین مرحله، مسئله‌ی عمل به ضوابط و احکام آن دین است. باور عمومی در مورد جایگاه اخلاق در دین اسلام این است که بعد از اولین مسئله، که مسئله‌ی توحید و خداپرستی و اصول اعتقادی و اصول دین است، دومین مسئله، مسئله‌ی اخلاق است. سومین مسئله هم احکام و مسائل حقوقی است که ارتباط با فعل مکلف پیدا می‌کند. بدین ترتیب سه مرحله برای دین فرض می‌شود: اصول اعتقادی، اخلاق و فقه. با توجه به این حدیث شریف می‌توان نشان داد که اخلاق مسئله‌ای است که جایگاه آن قبل از توحید است. این نکته، مجهول و ابهام را هم از این حدیث شریف برطرف می‌کند.

آن بزرگوار فرموده‌اند که علت بعثت من تتمیم اخلاق بوده است. اخلاق جمع خلق است. ترجمه‌ی خلق، خوی یعنی صفات باطنی، شامل فضائل و رذائل است. در این حدیث شریف جایگاه اخلاق قبل از بعثت قرار داده شده است. علت هر چیز، یک مرحله بر آن چیز تقدم دارد. علت بر معلول مقدم است و تقدم رتبی دارد.

یکی از اقسام علل، علت فاعلی است؛ قسم دیگر، علت مادی و قسم دیگر، علت صوری است. نوع چهارم، علت غایی است که انگیزه‌ی ایجاد علت در خارج را مشخص می‌کند. به عنوان مثال یک مهندس می‌خواهد

مزاج و جسم خود، روحیه‌ی ای هم دارد که چیزهایی را برداشت می‌کند که مانند لجاجت و ابراز قدرت، به حسب ظاهر به نفع حیوانیت او باشد. کودکی که او را از کودکی عادت داده‌اند که حرف صحیح را بپذیرد، دستور بزرگتر خود را اطاعت می‌کند. کودک دیگر که نافرمانی می‌کند هم از ابتدا روحیه نادرست و خلق کجی نداشته است بلکه تدریجاً انحراف پیدا کرده است.

باید به دنبال یک مربی روحی و مربی اخلاق رفت و از خدای متعال طلب کرد که یک نفر را مرحمت کند که کمک انسان باشد، و او را از جهل، نادانی و تاریکی آن بیرون بکشد، تا برای او حقایق روشن بشود و خوب و بد را بفهمد. اگر این ادب و فرهنگ الهی که خوب خوب باشد، و بد هم بد باشد، در فرد جا بیفتد، او را متقی می‌نامند. این صفت هم تقوا نامیده می‌شود. متقی کسی است که خوب را خوب می‌داند و ترکش نمی‌کند، و بد را بد می‌داند و مرتکب آن نمی‌شود.

کسانی که مانع تعلیم و تربیت امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم‌علیه‌نسبت به جامعه شدند، از ابتدا نگذاشتند که مردم انسان شوند، و از عمرشان در این دنیا بهره ببرند. تاریخ نشان می‌دهد که معاویه و پدر او از هر جانور مودی بدتر بودند. جانور به جسم صدمه می‌زند، ولی روح انسانی را از بین نمی‌برد، این‌ها روح انسانی مردم را از بین بردند، چون حجاب و مانع بین امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم‌علیه‌نسبت به مردم مسلمان شدند. مردمی که مسلمان نامیده می‌شدند از اسلام هیچ فرهنگی را دریافت نکرده بودند، لذا خاصیتی برای خود و دیگران نداشتند و نمی‌توانستند جامعه‌ساز باشند. می‌توان گفت که الان هر چه در کشورهای اسلامی گناه و خلاف می‌شود، و هر چه آلودگی هست، حق تعالی آن را به حساب آن دو فردی می‌گذارد که اجازه ندادند امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌عنه‌وآله‌وسلم‌علیه‌نسبت به مردم را تربیت کنند.